

چالش‌های بنیادی تعاونی‌ها در ایران

تعاونی‌ها با وجود پتانسیل‌های محلی، با موانع بوروکراتیک و مشکلات مالی دست‌وپنجه نرم می‌کنند که این موضوع آینده آن‌ها را تهدید می‌کند

یادداشت
O P I N I O N



مریم پوربخش

کارشناس منابع انسانی

تعاونی‌ها و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها

بخش تعاون در ایران همواره با چالش‌های عمده‌ای مانند کمبود منابع مالی و وابستگی به حمایت‌های دولتی مواجه بوده که این عوامل مانع از رشد و استقلال پایدار تعاونی‌ها شده است. این وابستگی‌ها نه تنها مانع از نوآوری در بخش تعاون می‌شود بلکه به کاهش کارایی و بهره‌وری این نهادها نیز منجر شده است. در این راستا، جست‌وجوی منابع غیردولتی و مردمی برای تقویت این بخش به یک ضرورت تبدیل شده است. یکی از این راه‌حل‌های نوآورانه، استفاده از ظرفیت مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها (CSR) و همکاری با منابع انسانی بنگاه‌های بزرگ است. این مدل همکاری، که در کشورهای دیگر موفقیت‌های چشمگیری داشته، می‌تواند پلی میان بخش خصوصی و تعاونی‌ها ایجاد کند و موجب تقویت اقتصادی و اجتماعی این بخش شود. مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به معنای تعهد داوطلبانه بنگاه‌ها به ایفای نقش اجتماعی در کنار فعالیت اقتصادی است. این تعهد می‌تواند در قالب حمایت از توسعه محلی، ایجاد اشتغال، آموزش و توانمندسازی گروه‌های اجتماعی و یا حفاظت از محیط‌زیست تحقق یابد. اگرچه بسیاری از شرکت‌های بزرگ در ایران در این زمینه برنامه‌هایی دارند، اما این اقدامات عموماً پراکنده و کوتاه‌مدت هستند و تأثیرات پایداری بر جامعه محلی ندارند. در مقابل، به جای اجرای پروژه‌های مستقیم مسئولیت اجتماعی، شرکت‌ها می‌توانند منابع خود را از طریق تعاونی‌ها به جریان ببندازند و از این طریق، تعاونی‌ها به‌عنوان بسترهایی برای ایجاد اشتغال پایدار و منافع اقتصادی مشترک عمل کنند.

یکی از مهم‌ترین ارکان این مدل همکاری، واحدهای منابع انسانی شرکت‌ها هستند. این واحدها به دلیل آشنایی نزدیک با مشکلات و نیازهای کارکنان، می‌توانند بهترین زمینه را برای شکل‌گیری یا تقویت تعاونی‌های کارکنان فراهم کنند. بسیاری از شرکت‌ها بودجه‌های بزرگی برای رفاه کارکنان خود اختصاص می‌دهند و اگر بخشی از این منابع به جای صرف هزینه‌های مقطعی، در تأسیس تعاونی‌های مصرف یا مسکن کارکنان سرمایه‌گذاری شود، می‌توانند به بهبود کیفیت زندگی کارکنان و افزایش حس تعلق و رضایت شغلی آنان کمک کنند. این اقدامات در نهایت به افزایش بهره‌وری و پایداری نیروی کار شرکت‌ها می‌انجامد.

از سوی دیگر، این مدل همکاری به نفع تعاونی‌ها و شرکت‌هاست. از یک‌سو، تعاونی‌ها می‌توانند از وابستگی به بودجه‌های دولتی رهایی یابند و دسترسی به منابع مالی جدید را پیدا کنند. همچنین، ارتباط با شرکت‌های بزرگ موجب افزایش شفافیت و ارتقای استانداردهای مدیریتی در تعاونی‌ها می‌شود. از سوی دیگر، شرکت‌ها نیز از اثرات ماندگار مسئولیت اجتماعی در تعاونی‌ها بهره‌مند می‌شوند و با مشارکت در پروژه‌های اجتماعی و اقتصادی، تصویر عمومی خود را بهبود می‌بخشند. این همکاری می‌تواند موجب رشد پایدار و توزیع عادلانه‌تر منافع در جامعه شود.

نازنین رزاقی مهر

روزنامه نگار



▲ تعاونی کشاورزان روستای آینه‌ورزان دماوند و اعضای آن در حال دروی محصول

«هفت سال است که تعاونی پوشاک زنان محله‌مان در تبریز را راه‌اندازی کرده‌ایم. روزهای اول همه چیز با شور و شوق پیش می‌رفت. زنان خانه‌دار، چرخ‌های خیاطی‌شان را آوردند و کار را شروع کردیم. اما کم‌کم فهمیدیم که فقط با علاقه نمی‌شود دوام آورد. برای گرفتن وام ده‌میلیونی، از این اداره به آن اداره رفتیم، هر بار گفتند مدارک ناقص است یا ضامن معتبر ندارید. حالا چهار نفر از اعضا مهاجرت کرده‌اند و بقیه با حداقل درآمد ادامه می‌دهند.»

این صحبت‌ها را زهرا سادات قریشی، مدیر یک تعاونی تولید پوشاک در تبریز می‌گوید. روایت او فقط حکایت یک گروه کوچک نیست؛ تصویری است از وضعیتی گسترده که بسیاری از تعاونی‌های کشور در آن گرفتارند. در سیرجان، احمد شریفی، از اعضای یک تعاونی صنایع دستی، از حال و روز دفتر کارش می‌گوید: «اتاقی کوچک با چند دار قالی و بسته‌هایی از پشم رنگ‌نشده. ما با ۱۵ نفر شروع کردیم. قالی می‌بافیم، گلیم و کیف چرمی تولید می‌کنیم. اما هیچ‌جا برای فروش نداریم. نمایشگاه‌ها محدودند و بازارچه‌های محلی هم تعطیل می‌شوند. چند بار برای گرفتن غرفه در شهر درخواست دادیم، گفتند فقط با مجوز شهرداری و تأیید اداره تعاون ممکن است، بعد گفتند بودجه نداریم.» شریفی لبخند تلخی می‌زند و می‌گوید: «آخرش مجبور شدیم محصولاتمان را به واسطه‌ها بدهیم یا نصف قیمت.» کمی آن سوتر در خراسان شمالی، فاطمه براتی، عضو

یک تعاونی دامداری روستایی، می‌گوید: «ما دام سبک داریم، سالی دو بار شیر و پنیر می‌فروشیم، ولی هیچ آموزش درستی درباره بازاریابی یا بسته‌بندی ندیدیم. حتی نمی‌دانیم چطور باید برنڈ ثبت کنیم. اداره تعاون فقط سالی یک‌بار برای آمارگیری سر می‌زند. ما خودمانیم و مشکلاتمان.»

روایت این زنان و مردان، لایه‌های گوناگون بحران در بخش تعاون را آشکار می‌کند: از بوروکراسی سنگین و کمبود منابع مالی گرفته تا ضعف آموزش، نبود بازار فروش و بی‌اعتمادی روزافزون میان اعضا. بخش تعاون در ایران، با آن که طبق قانون اساسی یکی از سه رکن اصلی اقتصاد کشور است، سهمی بسیار اندک در تولید ناخالص ملی دارد. این در حالی است که قرار بود تا یک‌چهارم اقتصاد در اختیار تعاونی‌ها باشد.

تعاون از آن مردم است

بسیاری از فعالان می‌گویند مشکل اصلی این است که تعاون مردمی نیست، بلکه نیمه‌دولتی و صوری شده است. دولت برای حمایت آمده، اما عملاً با مقررات پیچیده و مداخلات اداری، استقلال تعاونی‌ها را از بین برده است. مجید صباغی، مدیرعامل یک تعاونی مسکن کارگری، می‌گوید: «ما هر سال باید ده‌ها فرم و گزارش به اداره تعاون بدهیم. وقتی برای گرفتن وام به بانک می‌رویم، می‌گویند باید نامه معرفی از وزارتخانه بیاورید. برای گرفتن مجوز ساخت باید با شهرداری و اداره کل راه و

شهرداری هماهنگ کنیم. آخرش همه خسته می‌شوند. بخش خصوصی راحت‌تر جلو می‌رود تا ما که اسبمان تعاونی است.» مشکل تأمین مالی نکته‌ای است که همه روی آن انگشت می‌گذارند. سمیه جمشیدی، مدیر یک تعاونی تولید محصولات گیاهی در این باره می‌گوید: «در حرف، وام کم‌بهره مخصوص تعاونی‌ها وجود دارد، ولی در عمل فقط تعاونی‌هایی که آشنا یا وابستگی دارند، موفق می‌شوند. ما دو سال است درخواست وام داده‌ایم، هنوز پرونده‌مان بین استان و تهران در رفت و برگشت است.» او ادامه می‌دهد: «اگر تعاونی‌ها را جدی بگیرند، می‌توانند در اشتغال‌زایی معجزه کنند. ما فقط با هشت میلیون تومان توانستیم برای ده زن شغل ایجاد کنیم. ولی وقتی نظام مالی پشت نیست، هر موفقیتی هم‌زود فراموش می‌شود.»

فقدان آموزش و توانمندسازی

یکی دیگر از دغدغه‌های فعالان، نبود آموزش و مهارت مدیریتی است. تعاونی‌ها اغلب توسط گروه‌هایی شکل می‌گیرند که انگیزه دارند، اما دانش فنی و مدیریتی کافی ندارند. حمیدرضا ابوالحسنی، فعال بخش تعاونی‌های خدماتی، می‌گوید: «اداره تعاون فقط به ثبت شرکت‌ها اهمیت می‌دهد. هیچ آموزش منسجمی برای حسابداری، فروش یا بازاریابی وجود ندارد. مدیر تعاونی باید همه چیز دان باشد، ولی هیچ نهادی برای توانمندسازی‌اش وجود ندارد. نتیجه این می‌شود که

آینده بخش تعاون در ایران تحت تأثیر قوانین کهنه

قانون تعاون فعلی که در سال ۱۳۷۰ تصویب شده، دیگر پاسخگوی نیازهای امروز نیست

بخش تعاون که طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از ارکان اصلی اقتصاد کشور است، نتوانسته جایگاه مؤثر خود را در نظام اقتصادی ایران پیدا کند. هدف اصلی تعاونی‌ها، حذف واسطه‌ها و افزایش شفافیت در توزیع کالا و خدمات بوده، اما در عمل، این بخش در میان بوروکراسی پیچیده و بی‌اعتمادی عمومی گرفتار شده است. در دهه‌های ابتدایی پس از انقلاب، تعاونی‌های مصرف و تولید نقش قابل توجهی در کنترل بازار و کاهش فاصله طبقاتی ایفا کردند، اما از دهه ۱۳۸۰ به بعد، روند افول این بخش آغاز شد. به گفته فرانزه محمدی، کارشناس ارشد حوزه تعاون، مدیران تعاونی‌ها به دلیل عدم آموزش مناسب و نداشتن نگاه تجاری یا مأموریت‌های روشن از سوی دولت، این بخش را به حاشیه رانده‌اند. تعاونی‌های مصرف در ایران با مشکلات زیادی همچون کمبود نقدینگی، ضعف مدیریت و نظارت ناکافی روبه‌رو هستند. این مشکلات در حالی است که در کشورهای پیشرفته‌ای مانند آلمان، فرانسه و سوئیس، تعاونی‌ها با ساختاری شفاف و مبتنی بر اعتماد اعضا، به بازیگران اصلی بازار تبدیل شده‌اند. تفاوت اساسی میان تعاونی‌های ایرانی و نمونه‌های موفق جهانی، این است که در کشورهای پیشرفته، تعاونی‌ها بر اساس نیاز واقعی اعضا شکل می‌گیرند، در حالی که در ایران این بخش بیشتر از بالا به پایین و با دستورات اداری تأسیس می‌شود. یکی از مسائل اصلی در تعاونی‌های ایران، مشکل نقدینگی است. بسیاری از این تعاونی‌ها برای تأمین کالا یا پرداخت حقوق

سیاست‌گذاری تعاون، از مشکلات اصلی این بخش، تداخل وظایف نهاد‌های مختلف دولتی و غیردولتی در امور تعاونی‌ها و نبود هماهنگی میان آنها می‌داند.

راه‌حل‌ها و اصلاحات پیشنهادی

برای اصلاح وضعیت بخش تعاونی، لایحه جدید اصلاح قانون تعاون که دولت به مجلس ارسال کرده است، بر ایجاد منابع غیردولتی برای توسعه این بخش تأکید دارد. استفاده از ظرفیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها (CSR) و منابع حاصل از انفال می‌تواند راهی برای جبران کمبود منابع مالی باشد. به علاوه، بسیاری از کارشناسان به این نکته اشاره دارند که یک قانون کارآمد در این حوزه باید مأموریت‌ها و وظایف نهاد‌های مختلف را به طور دقیق روشن کند و دخالت دولت را به نظارت و حمایت محدود سازد.

در این راستا، تجمع نهاد‌های پراکنده دولتی و ایجاد یک سازمان عمومی غیردولتی برای پیگیری مسائل بخش تعاون، می‌تواند از بروکراسی زائد بکاهد و کارایی این بخش را افزایش دهد. همچنین، یکی از پیشنهاد‌های مهم برای بهبود وضعیت، حرکت تعاونی‌ها به سمت منابع مالی غیردولتی است. این منابع می‌توانند از طریق سازوکارهای شفاف و قانونی به سمت تعاونی‌ها هدایت شوند و به رشد و پایداری آنها کمک کنند.